

فرایند پیدایش بابیت و بهائیت از

اندیشه‌ی سخیه

عبدالرحیم غروی

www.ketab.ir



انتشارات کویر

فرایند پیدایش ابیات و بهائیت از

اندیشه‌های

عبد الرحیم غروی

طراح جلد: سعید زاشکانی - امور فنی و صفحه‌آرایی: انتشارات کویر

چاپ و صحافی: غزال؛ شمارگان ۵۰۰ - چاپ اول ۱۴۰۱

شابک: ISBN:978-964-214-361-0 - قیمت ۹۳۰۰۰ تومان

نشانی: تهران کریم‌خان زندابتدای قائم‌مقام فراهانی کوی یکم شماره ۲۰ - ساختمان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱ تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ نمابر: ۸۸۳۴۲۶۹۷



Kavir.Pub



KavirPublishingCo



Kavirbook@gmail.com

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۳.....	پیشگفتار
۱۷.....	شیخیه
۱۷.....	شیخ احمد احسائی
۲۵.....	جهان‌بینی مشایخ شیخیه و تأثیر فلسفه بر اندیشه‌های ایشان
۲۵.....	الف- آئین هر مسمی
۳۰.....	ب- آئین مندائی
۳۰.....	ج- غالیان
۳۵.....	تأثیر حلاج بر شیخ احمد احسائی
۴۲.....	موافقان و مخالفان شیخ احمد احسائی
۴۶.....	روزگار شیخیه پس از شیخ احمد احسائی
۶۱.....	فرزندان و آثار شیخ احمد احسائی
۶۲.....	القاب پیشوایان شیخیه
۶۵.....	شیخ احمد احسائی از منظر معاصرانش
۶۶.....	جهان‌بینی شیخ احمد احسائی و جانشینان وی
۷۱.....	باییت
۷۱.....	سید علی محمد شیرازی (باب)، جانشین سید کاظم رشتی
۹۳.....	آثار سید علی محمد باب

طاهره، زرین تاج، قرّة العین یا امّ سلمه.....	۹۵
قرّة العین و ملا محمد تقی برغانی.....	۱۰۷
اجتماع بدشت.....	۱۱۲
فرجام کار قرّة العین.....	۱۳۰
تحلیل واقعه‌ی بدشت.....	۱۴۹
بهائیت.....	۱۵۴
میرزا حسینعلی بها.....	۱۵۵
آثار بهاء الله.....	۱۵۹
پایه های استدلالی باب و بهاء.....	۱۷۵
حامیان خارجی باب و بها.....	۱۸۰
بهاء الله و متصوفه.....	۱۹۲
غلو در نمایاندن جایگاه و مقام بهاء الله.....	۱۹۴
جانشینان بهاء الله.....	۱۹۸
فرجام سخن.....	۲۰۰
کتابنامه.....	۲۰۱
پیوست.....	۲۱۳

مقدمه

بی گمان شیخیه و موسس و بنیانگذار آن شیخ احمد احسائی و نائب جانشینش سید کاظم رشتی را بایستی آغازگر آئین بابیت و در امتداد آن بهائیت دانست. شیخ که همواره خود را ملهم به الهامات ربانی و اشراقات باطنی در سایه رویاهای کاشفه و منامات صادقه همچون انبیای غیر الوالعزم بنی اسرائیل میدانست از روزی که کرسی زعامت حوزه کربلا را پایه نهاد با طرح مطالبی شاذ و فاقد هرگونه سابقه و ذکر در آثار و رسائل عالمان و فقیهان و متکلمان و محدثین شیعی بر شالوده اشراقات نفسانی و خلجانات روحانی، پایه گذار بدعتی شد که حوادثی ژرف و ماندگار در باورو ایمان و اعتقاد بسیاری از افراد ساده دل و نا آگاه از حقایق دینی و اسلامی بر جای گذارد. او که در گذر زمان و دوران حلقه داری بحث و فحص حوزه کربلا و سامرا گروه پر شماری از طلاب جوان و مشتاق فراگیری را به خود جلب کرده بود موضوع بدیع و جدیدی را در مباحث شناختی، تحت عنوان رکن رابع و ضرورت وجود باب و شیعه خالص به عنوان پایه چهارم ایمان طرح کرد و بر همین اساس این بحث را در طی سالها موضوعی اعتقادی به تلامیذ و طلاب مکتبش القا نمود که بدون التزام به آن ایمان مومنین ناقص و نادرست است همان گونه که کرسی و سریر با سه پایه و بدون پایه چهارم لرزان و نا استوار است. شیخ با دانشی فربه و بدون پیشینه دوران مشخص و روشن تحصیلی و طلبگی سفره درس گسترانید و دست به نشر مطالبی

زد که علاوه بر ظهور نحله ای نو بنام شیخیه و افزودن به نحل اسلامی، آئینی به نام بابیت و چهره گسترش یافته آن، بهائیت، خط پایان به دوره اسلام و قرآن کشید و جای بسی شگفتی و دریغ است که این وقایع در دورانی واقع میشود که فحول فقیهان شیعی در حوزه علمیه نجف که یگانه حوزه مرکز فقاقت عالمان و فقیهانی همچون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب رساله ذخیره العباد و شاگرد برجسته اش علامه شیخ محمد حسین نائینی و پیش تر از اینان سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب عروه الوثقی (هجری قمری ۱۳۳۷-۱۲۶۷) و بالاخره فقیه نامدار شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱-۱۲۸۱)

(ملقب به خاتم الفقها و المجتهدین بود و آن بزرگان سکان داران حوزه علمیه و زعامت و ریاست شیعه امامیه بودند. شیخ با لحنی گیرا طلاب بسیاری را در طول بیش از سی سال و پس از درگذشت او سید رشتی که نظراتش خرافاتی تر از استاد و مرادش بود به صراطی رهنمون شدند که سرانجام شان به بابیت منتهی شد. شیخ برای حصول مقصود و وصول مقصد همواره خود را برخوردار و متنعم از منامات کاشفه و رویاهای صادقه میدانست و در اواخر عمر نیز مدعی بود که در خواب و بیداری با ائمه هدی در ارتباط است و همه معضلات و مشکلات دینی خود را از آن بزرگواران سنوال میکند. به همین دلیل در صفحه ۲۵۷ کتاب شرح الزیارة چاپ سنگی و صفحه ۱۱۸ رساله قطیفیه و دیباچه کتاب شرح فوائد چاپ سنگی ۱۲۷۶ گفته است " من بر جاده ارباب حکمت نرفتم و بلکه اخذ نموده تحقیقات خودم را از ائمه هدی و در کلام من خطائی نیست ". شیخ در طول عمر طولانی خود هرگز هیچ اشارتی به معلمان و استادان خود نکرد و اینکه در کدام مکتب و در حلقه درس کدام عالم متکلم و فقیه تلمذ کرده و به اینگونه آرای بدیع و جدید

دست یافته است. آنچه از آثار و مکاتیب شیخ و فرزندش شیخ محمد بر جای مانده است نامی از استادان و معلمان شیخ بر جای نمانده است. اومدعی بود که به هر مسئله غامضی و موضوع پیچیده ای که برایش پیش می آید هر امامی را که اراده میکرد در خواب می دید و جواب سئوالاتش را دریافت میکرد او حتی در اواخر عمر با شدت یافتن توهماتش علنا میگفت سمعت عن الحجة، از امام باقر علیه السلام شنیدم. در بساط درس و حوزه شیخ هیچ نام و نشانی از دیدار و ملاقات با عالمان و بحث و فحص نبود این چنین عالم متفکری که بر این باور بود که تا قبل ظهور او ایمان و باور شیعیان و سریر ایمان شان فاقد پایه چهارم بود، سست و متزلزل و همو بود که مذهب شیعه را متکامل کرد. ادعا و شاید هم باور شیخ بر این بود که به واسطه منامات کاشفه و اتصال به منبع دانش امامان معصوم، همه علوم را از حوزه قدسی و مبرا از سهو و خطا در یافت میکند و هیچ نیازی به بحث و گفتگو مضاف علمی با فقیهان فحول نزیل نجف ندارد و به همین دلیل در پیشینه و کارنامه بیش از پنجاه ساله او هیچ نشانه ای از مناظرات و مجادلات و مباحثات و مکالمات با عالمان و برجستگان حوزه و مکتب نجف وجود ندارد. دلیل آن نیز قابل درک است زیرا که شیخ آنچنان نظرات و یافته های ذهنی خود را مبرا از سهو و خطا می دانست که هرگز خود را محتاج بحث و گفتگو به منظور تهذیب و تدقیق فتاوی و نظرات خود نمی دید. در مقدمه کتاب مکتب شیخی هانری کربن آمده است " شیخ احمد در هیچ موضعی به اسم از استاد معینی که شاگرد معنون و ممتاز آن استاد باشد و لباس و مقام خود را مدیون او بداند ذکر نکرده است. در روایات طایفه شیخیه هم برای او استادی و شیخی نمی شناسند که بالاخص به اسم در استناد خود استناد به او جوید. همه تعلقات

خاطرش را متکی به منامات و مشاهدات باطنی و مکاشفات خودمیدانست. هائری کربن که تحقیقات ژرف و مفصلی در آئین شیخیه به عمل آورده است بر این باور بود که مشایخ شیخیه هیچ مرشد و استادی به جز شیخ الغیب و استاد غیبی برای پیشوای خود متصور نبوده اند، به عبارت دیگر شیخ را امی میدانستند و همه اجازات او را که به رسم عالمان و فقیهان شیعه در هنگام فراغت از تحصیلات حوزوی از استادان خود اجازه در یافت میکردند که به موجب آن در امور حسبیه و شرعیه مقلدین نظر شرعی بدهند، مأخوذ از ناحیه ائمه هدی میدانستند که به او مرحمت فرموده اند. شیخ با طرح موضوع رکن رابع و ضرورت وجود حلقه اتصال میان شیعیان و امام مهدی قائم علیه السلام تحت عنوان "باب" و رکن چهارم ایمان شرائطی در ذهن و باور طلاب حوزه کربلا ایجاد کرد نتیجه تأسف بار آن پس از در گذشت شیخ و مرگ مشکوک و زود هنگام سید کاظم ظاهر شد. یکی از شیفتگان مکتب شیخیه ام سلمه دختر ملا صالح برغانی قزوینی در برادر زاده حاج محمد تقی برغانی امام جمعه نامدار قزوین بود که پس از آشنائی با افکار و عقاید شیخیه منامیه از طریق مطالعه چند نسخه از رسائل شیخ احمد که توسط عموی کوچکش که قبلاً به شیخیه پیوسته بود به دست آورده بود مومن و دلباخته شیخیه شد و بی درنگ راهی کربلا شد و هنگامی که به بیت سید وارد شد سید در گذشته بود، ارادت و ایمان طاهره چنان شدید بود که بنا بر وصیت سید زعامت و رهبری شیخیه و ادامه درس سید در پشت سرا پرده به عهده او گذاشته شد که مورخین بابتی آن دوران را دوران قرتیه نام نهاده اند. هنگامی که خبر دعوی بابیت علی محمد شیرازی به گوش طاهره قره العین رسید بی درنگ بابی شد و همو بود که نقشی بسیار سرنوشت ساز و پر رنگ در اندیشه نسخ و

فسخ دیانت اسلام و بر آمدن آئینی به نام بابیت داشت تاریخ بابیت و بهائیت و نیز مورخین دوره قاجار بر این واقعیت اذعان کرده اند که طاهره قره العین میرزا علی محمد شیرازی را که چند سالی در حوزه کربلا در حلقه درس سید کاظم رشتی حضور می یافت و پس از مرگ استاد خود سید کاظم راهی زادگاه خود شیراز شده بود را به مقام پیامبری و آورنده کتابی که آن را ناسخ قران نامیده نائل کرده است و باور این قلم به استناد کلیه اسناد و مدارک برجای مانده از آن دوران و تواریخ و کتب بابی و بهائی و نیز اسلامی ام سلمه برغانی که بعد ها لقب قره العین را از سید کاظم رشتی و طاهره را از علی محمد باب دریافت کرد اولین کسی بود که در اجتماع سران و پیروان شیخیه که عموماً از روحانیون حوزه کربلا بودند، گزاره پایان یافتن دیانت اسلام و نسخ قرآن و مقام پیامبری یافتن علی محمد شیرازی را بر زبان آورد و خود علی محمد شیرازی که توسط طاهره قره العین با همدستی یارانش میرزا حسین علی نوری مازندرانی (بها) و ملا محمد علی بار فروشی به مقام پیامبری نائل شده بود بعد از سه هفته که در قلعه چهریق آذربایجان غربی محبوس بود توسط افراد باز گشته از اجتماع دشت بدشت با خبر شد که به مقام پیامبری و شاریت رسیده است .

موضوع نقش طاهره قره العین در پدید آمدن آئین بابی آنچنان مهم و قابل تدقیق و توجه است که رساله ای مستقل و مبسوطی را می طلبد که امید است پژوهشگران و متفکران این راز سر به مهر را مکشوف و معلوم نموده و در اختیار مشاقان و تشنگان و متحریان حقیقت قرار دهند آنچه که جایگاه شیخ احسائی و سید رشتی را با دیگر عالمان و دانشمندان شیعی جدا و متمایز می سازد آن است که شیخ و سید هرگز از ریاضات شاق نفسانی و خلوات و مکاشفات توهم زای روحانی

دست نکشیده و تن به محاوره و مجادله و مباحثه با عالمان و حکیمان و فقیهان نداده و حتی از هرگونه مصاحبت و مجالست و مخالطت با مکتب نجف و علمای اعلام حوزه نجف امتناع کردند.

عبدالرحیم غروی